

• حملہ ۱

## ۶۰۰) اسلام - ایران نازل صفحہ

از زل خلیفہ (ع) مسلمان، اعراب، جنوبی های نخواوند و قادسیہ ایران را فتح کرند.

الصدر دین ایرانیں از بستان ۳ تغیر و جو درار:

۱) تغیر یا: در این مقطع (زمان بعد از اعراب به ایران) این ایرانیں که زرست بود  
تو سلطنت و زور اعراست ز مسلمان به اسلام تغیر کرد.

دقت کرد این تغیر برای اسلام آغاز ایرانیں بس مرد را تغیر این بوده است.

۱) این تغیر (تغیر ۱) تغیر سلطنت طلبی است.

سُکھرمان: نکته یا: قبول این اسلام ب زور پیش بگیرد ۴۴۴

و اتفاق این است که اعراب تازه مسلمان ایرانیں را بر سر راه برداش را هدیه

۱) مسلمان بگیرد ۲) مسلمان نمی بگیرد اما ایرانی را بگیرد

۳) نمایم که تو انس دنیا نمی مسلمان نمی خواهید اما با بر مالیت بدهید (جزیر)

بیران روحنهست ایرانیں مالیت را هدیه و صورت ایرانی را آغاز کرند.  
تو حکم این مسلمان ملک ایرانیں هست ظاهری هم او کسی بروه است.

لکه از میان اینها که آنها جمیع از ایرانیان و کوچکان  
که این همچو، اغلب از زرتشیان (تجار) بودند و بازیست میشوند  
که از اینها = قومی و فنی داده شده هستند اگر برتراند این است.

شاهد مصلحت: نسله ۲ : اساساً زن عرض ایران - این ساره هم است !!

برای نسل ۱۴۹۲ میلادی این شروع (منی معاصر) حدید آغاز یافم امر ره:

۱- انجام مرائت حدید از نسب مقدس: پرستستانیسم

آن مرائت جوید برای انس فهم شخص داشت. دکوهای همراه و مدرن مکمل این مصلحت را در دلخیختان  
هستند. خنف این که رزنه سوال برداشته تولید بوده است.

۲- سفت ناره آمری: سعده از پرستستانها از اندیشیدن در امور مهاجرت و کنترل زن را برای  
ظیور میگیرد، اما رکن

۳- فتح ایران (پهلوی اسلامی): روحانیت های مذهبی صلیبی این گزینه خواهد بود.  
صلیمان که برای این خوارا به مکتب تئیز برخیزد خوارا داخل ایران مدرست رانه مهاجر از زند  
و ای ۳ میلیون از صلحان این هزاریم می داشتند و این ایرانیان حضرت ۲۲۲

وَمَنْ أَبْرَأَنَّ بَنَرَغِ الْعَالَمِ نَهْمَنَ لَنَمْ مُهْلَمْ أَنَّ بَنَرَغِ بَرَاسَ لَنَمْ ۝ رَامَتْ نَشْلَنَ شَدَهَا هَسْتَ :

۱- اسلام حبّ اهل بیت  
۲- اسلام بعین اهل بیت

فَاتَحَنَ ایران : پیر محمد رخ (فرصانه ترکی)  
ذخیری ← امام حسن رعی راند رخ  
سپران دی ← ~~امام~~ در کربلا با امام حسن رعی پر جبلیز  
خورده ← فاتح ایران

اگر مراد بود ایرانیان بروت این ناین صدیان سووند، و آنها بعد مرادست اسلام بعین.  
اهل بیت را ~~پیر~~ پیری می کردند، اما آنها اسلام ایران، اسلام حبّ اهل بیت است.  
(~~پیر~~ رسلی بران ~~پیر~~ نفلیت ۱)

آیت شُرُح زرَسْتَ بُوشنْ محمدْ مردم و دوَرَه بُولَانَ آآن :

در واعظت ایرانیان دنی راستن ~~که~~ نمند است اما آئین راست، ایرانیان از استان خدا کی بیونه  
دانستند دانی خدا، خداei است ~~که~~ حضور عیات صاری ندارد را اصراراً می خواهند لعل هندا این خدا و هفته را داشتم  
صفحت وی بی کفا است است. و دنی ایرانی ها، نوار پرسته را نه مرانستند او ستدار، که امنی برواه اند  
نها را که امنی دانند ایرانیان بایستی : مسیاری.

حال بدرست سریع‌کاری صلحان حبوبات خواهد بود و از مسلمانان اهل رصیره و گوفنه بودند.  
این همان‌طور اسلام علی‌رغم آن است بورند. مردم ایران هم در طبع حبوب مان امداد و سرمه را استند  
امن سروچاب ایرانیان مرکوزند: "بین صلحان سید و مالیات نزدیکی به اینها اتفاقاً این سا  
صلح رخاست، علی‌واسطه (اسلام حبوب اهل بستان)"

حرب اسلامی بحق اهل بستان  
حراس و حفاظت: خداوه، صادی است، ری‌عصبانی بر سرور،  
ارضی صفت خدا، برای ایشان و حریمی ساق پاپی را نان مرده و گهمه می‌صفحن که دل  
حذاشت، به او صفات صادی است من را نند!

برکات ایرانیان مرکوزین این اسلام علی‌رغم آنین خودکارون مرکوزین بناهای

- به جای سریع خودکارون، امام حسن را بمردم نزدیک

- به خان خودی که اسما ندارد، الله را بمردم نزدیک

در واقعیت اسلام بود است اسلام علی‌رغم مصراط آینین خودکارون هست، پس این اسلام  
را فتحیل کردن! پس "ارفع تعلقین رین آنما نیفتد اس" به باین خودکارون  
پس عینت بیشتر نداشتندند.

■ نظریه (دکم): اسلام ایران (نقد مسیحیان)

و چند دلیل این نظریه نقد علمی نیز اور!

اسلام داشت، اسلام عمرتیان است و خدای می‌باشد که این خدای روحیت است اما ایرانیان  
اسلام را درین آینین خودکارون ندانند تا سرمه‌ها را بلدازند پس ایرانیان تغوفن این ندانندندند

فطیرتہ ۱ : قبیل اسلام بزرگ مُسْرِر سے اسلام ۲ مراد ندارد غلط!

بِ حَمْدِ رَحْمَنِ رَحِيمِ

فطیرتہ ۲ : اسلام اہل فتنے سے اسلام سے مراد رادر (بغض) و اہل فتنہ  
آنے جو خوبی بخوبی دشمن نہیں و فقط اسم آئین را  
اسلام لذاست. غلط! (وقت سودانی فطرت و حواریہ اور دوسرے است  
استاد مل غلط است)

فطیرتہ ۳ : ~~فَطْرَتُكُمْ إِنَّمَا~~  
← اہل فتنہ سے دین فطرت کا مہر آن سالہ دارند و ان دین با اسلام حصہ  
فرمودا تھے اسے ، اسلام بھروسہ کی ۲ مراد ندارد.

لِلْفُوْزِ

حدسہ : " من، پیاصر و ۲۳ حاضرین ام " میں دینی ہستہ و حکم و رسم این عہادتیں  
عکس از ہم مہر کرو و تمہاری دینی از میں میرود " ۱

معارفہ برائی مددیت بھی خواریں خود را سیل صدم کیں مالکیت داری اسی لئے مہر آن ۲ نظر است .

علماء آن زمان آمدن وقت ۲۴ نویں اللہت ایت دعیا سعیون ہم عکس حکم مکتوب

تو صہیل عبا سنی خودر کھڑا لفڑیں ۰

و انسیونہ معارفہ دعیا سنی خلافت پڑندا!

حکومت ہما برائی این نہ مددیت ہے میا من خواتین یہاں بیدار این خلفاء علیہ ۰ مہر لئے ۰

اٹھ مددیت

(a)

بربرهای لرزان علاوه‌ن مقصید لش خلیفه عباس را ملکه اهل را بدل از هم تو سرمه  
آمری را ملکه خسرو از هم بپذیرد، وزیر امداد مصطفی خلیفه عباس را داخل پتو بشناسین  
واردا آرم بزین آمر دین زن به هم دست نلسون آرنه ملکه.

حکمتانها به امداد رده کار، به خوشان صفت هست هست هم دان در بعد مردم تقدیب  
کرد این صفت را.

بعد از مطلع خلیفه عباس ایرانیان ۲۵ سال کار اسلام سعی سرمه (سرمه داری امام) دارند، ایرانیان به کم از هجارت خود سرمه عمل نکرند.

خرب = سفر

شُرَق = حقیر

صفویه دوازده قسم حکمت سعیه هاست، به این همه هم تقدیم شد  
ما باید سرمه باشد یا سعیه!

تفصیل: سعیه برای زرگری صفره برواد است  $\rightarrow$  راه: همان راه که های ردن فخری<sup>①</sup>

۱- اولین بار بعد از همدای ارباب، ایران سرمه حکمت سراسری صست را در اراد است

↑  
دلیل حکمت و همه از هم بخواهیم داشت

۳- دیگر سرمه حکمت سعیه

۲- رخصت بجزیل شیخ (آن یک هم از هم بگشت هم از هم)

۳- رخصت داران به نرسی فریض را به خوبی با سعیه را و باید بعضی از  
اموال و سعیه بزرگ نهاد که لغته بود.

۱۴ / ۱۹ / ۱۴۹۹

آنلاین اسلامی

Date

در وحید باربی → دوسلت غیرقابل استثاره  
 که این آماره حنبد براند  
 که از سروری خود را ببرد

دوسلت آنچه → تعلم جای و مساعی

آن سلت غیرقابل استثاره → سولت = جو اتفاقاً برای طرف صbull (فراز) به مدارسلت بدهد و  
 جواب، سُفَفت نمودن !!! در بی  
 عصب مانند !!! → ایران

برنا صهای توسعه → برای خزانه زاری آمری

استراتژی شل سرفت: استراتژی تقدیر از روی چنان بزرگی توسعه برای پیشنهاد ران  
 مایه شکردها

نخان ایرانی برای اسراف (۲۷۸) نفر را می‌داند مدت منتهی‌العمر فرستاد مزب

امپرس → استفاده از بیاریم → هم را لفظ

حكم اول غیرقابل جمع (جزء مواد اهمیتی است)

راطیه تفاری → روحیه مخفی خلاف هم هم و جویی اند ←  
 راطیه تغییر ← بجه جویی / بجه عزم جویی (از روی غیرزدن) حلم دهن غیرقابل رفع  
 حین دهن

حكم اول غیرقابل جمع  
 حکم دهم غیرقابل رفع  
 حلول: تقطیعی آنزوی های (سای) و عهمها آنها قصر است.

آنچه: حین اینجاکو رار، حین آنها قصر است (حق رجاعی)

ما حین آنها را صد هزار ۲۰ هزار

ملت و فاسوئیں ملکے ہجورنے سے تھا راتناقش و ملائیں جلوہ ہر رہنے۔ نایر رہ بیز ہیں

نے اورہ اصلی، عرب بسیر فہ اسے، عنیر عرب عقب ماندہ، لبز جنر افڑیں ملائیں  
راہین عرب و عرب سے تناقض → بسیرت، عقب ماندہ زاریں عربیں (امریک)

ریا خڑہ کی رکن دھارا بابیں (جنی بدر)

پسیرفتاد عقب ماندہ و قسکا حکم چھینز سنیں اسے نیز بسیر ماندہ

ملک ہجے صافیہ  
۱- آمیزش  
۲- مژہنی  
۳- سیسی  
۴- علم و ...

اسروہ بسیرت ہای غربی را ملک پسیرفت ہو رہیں.

۲۔ کوال اسٹری:

عمرت: خدا یہ قدرتی ہے کہ رارہ بیا میر، دلہ زاری نہیں!

بیا میر سوارندہ است، علم راست، علم دلہ را دہ بور ← جبریل

آنکھ کے از وفات درست: بیا میر، بیا میر برہ دا است " (اصحاق: سست نہیں  
بیا میر دامانی و ...)

اڑ نسخ ماصھیعم روچھلاری ۱۴ حصہ قائل نہیں، عامت نہیں دلہ دا،

صریح ان عامت بڑی ۱۴ حصہ بورہ دلہ ۱۴ هزار بیہم کے ستم بورہ دلہ

اڑا چکنے زیریں (۱۶۷): بڑی حصہ دلہ دا حصہ

۳- رسمیت رسیل برای سیرفتہ و بیعت چونه بوراک پیا صبر امام ایمان  
 آمد و در اینجا  
 ۱- بعلم حکم دلارسی رضی  
 رسیل برای ایمت سیرفتہ بوران

۲- در این ترتیب صد کی راسته بوراک <sup>علم</sup> <sup>برای ایمت</sup> <sup>آن</sup> <sup>و علم</sup> <sup>رخن</sup>  
 وجوه بکلیت علم

منظور از این علم  $\rightarrow$  علم روز - مفهوم رایی - (علم)  $\rightarrow$  عذر از علم پیا صبا  $\rightarrow$  رضی رسیل

۳- با وجود حابران حیان  $\rightarrow$  فنیزی، نمیزی، رعایت روایت بوراک و لئوپار (ام) بوراک

بس امام حسین بوراک

بوراک  $\rightarrow$  سوچنی رسیل

روایت رسیل  $\rightarrow$  اکنون از حد از سیرفتہ علم هدست!

۳- رسالت رسول برای سیرفت و بعثت صونده بود / پیامبر و امامان  
آن دو راه است

۱- حکم حکوم دلاری رضی

۲- روایت شیخ مسلم ← که آنکه نباید علیکم از این علم رجوع کنید  
و حکم حکم علم

منظور از این علم ← علم روح - تأثیرگذاری - (علمی به منظور از علم پیامبر) → درین رسالت

۳- با وجود حابران حیوان ← فتنه‌هایی همچو رعایت روایت بوده و این تبر از امام صورت

پس امام صورت بلطفه

رسویت رسالت

روایت رسالت ← آنکه برای حذار سفره باشد علم هست!

الف) حمل سرمه

\* استخارتی تقدیر پس از خبیر ایمان در راه راه ایمان فله درست

بعضی کلمات هر اصلت خورایم یعنی ← تقدیر از خبر

\* سیرفت، بعثت، مادری، مولودی، میراثی هست

بعضی اصلت بعثت، مادری، مولودی، میراثی هست.

\* رسم و فیض : یاد ایمان ترتیبی مادری فوت شدن (ایامیل = دنیو)

\*

عنل  $\rightarrow$  صرت دن ایمه ب پا طایپا مس  
ج  $\rightarrow$  ایست ۱۰ ب زیران

\* عبارات موطوبه نست مادرست !!

تغیر برای  
ناتیج یون این ب وجود رفته اند  
عطا بون نظرات  
مضری

۲) اطلاع علم لو بداصن  $\leftarrow$  لو امتنانه ( f و سرطه )  
اعصاب  
بس هر یکی از اطلاعات همچو جنین نرقدن

( اون عده هن من حمام نیم اور در جنین کم بود برای سرافیس حواره من داشتم !! )

( این علم انقدر ارزشی داره راه در جنین کم بود برعکس برای سرافیس داشتم !! )

( تغیر عطا : ۸ میامبر اصراره ب جنین که راحنین بود و تکنولوژی اولی را لفتن برای برمدید !! )

( جنین منظر است ! منظور از این علم بیامبر نیست )

\* عنل طایب نست ! صحبت اس برای هنر خواندن و احباب اس

۳)

جاپنی

۱) خود خود را نمی کنیم بین معقول نیست  $\leftarrow$  علم درانه  $\leftarrow$  شرایط درانه بون خود را نمی کنیم

۲) نه هم کنیم به روی لعای خود  $\leftarrow$  علم حال

\* بروایت رسمی بین سفر را نیم که در سالهاروایت حابین و جویل اس اس

\* این حابین حین را بخواهیم  $\leftarrow$  حالی نیمده اس اس

فریضه (ر) عبداللہ من بع  $\leftarrow$  یمن  $\rightarrow$  این سفیر (رو آوران): صورتیں ملک

(۲) بیانیں ملکہ ایونیوں پر ہیں اسکے پس یمنی قوم اب تک نہیں کیا دعا مارا امام کے صرف کا درجہ ہے۔

\* غرب فوہ اسے پاھنچیں (انہیں نزارہ اپنے اسے) پھنگت عنبر پر  
قدرت و بُریعت و عذاب مانند مفعولی کرنے کی اسے۔

ایم حسن پھنگت سُمْر قوی / ایم حسن زیرہ سُمْر  $\rightarrow$  عجب سائیہ

قدرت و پھنگت مرتقباً صھد کھڑت و صفت  
بُریعت خست دعابت مانند نہ اسے۔ نزارہ دعا رارہ

هر کس کھڑا ہے خدا خود میں تونہ ملا کر راتے ہیں کہ بُریعت کوئی خوبی نہ را۔

ایم حسن ترہ نہ بے قوکارا!!

صلک عمارتی منبع قدرت کھیں !! نہ صلک بُریعت!

\* سخورها ملاک قدرت را نزارہ  
اُنہیں صورتیں دیں (لہجہ سخورا)  
اُنہیں دھرنا دھنیج تج تج سمجھ دسہ!

۹۸۹  
American hard work  $\leftarrow$  کھڑا، انبارہای قدیمہ  $\rightarrow$  دھنیج  
صورت کامپنی، ریان  $\leftarrow$  ڈیجیٹ

امیربرفضن صدیق‌الحمدی تحریر مکار و پیغمون علم کن مهران ۷۰، ۸۰، ۹۰ ساله میم  
اکمیری ایکان !!

رند اه من نیز باید بور .

رند اه حل : اللہ رب العالمین حجور عین دار رزیسیح نیم  
(راه من بخوبی)

ناوی خواهی ایکار نایبی صحیح .. امری ازین مرد

لسترنی از عیوب ... سعادت سرمه ایست ، مکروزیان ، لعنه که مدرس با درجه های

آنمازی تر بخوردم که رده . یک سال مطلعه رک سازه .  
جديدة

جلسه هجدهم  
جنون نعلام فاری جم هنجانم که تازه (در بورس امداده) کهی می‌گذاری این‌قولویی .

"قدرت ، اقتدار ، نفوذ"

اعلام مرات

اعلام الملتک

درین کوئی قدر کاری پیدا نهاده → قویان حابز جان دار روس

انیکوئی ران شنی براساس نظریه‌ها بخیلوفته است  
≡

قصاص حابز در آستان ایست " ذات آستان را رذات در بخیریه است .

\* چو ایک ؟ (زند خوی ری بخ طرفع سیاست پر رانه بولن) از خون و لش خوی می‌رومیزی ؟  
نیاز سیری نیزی (در زند خوی رانه راردن) امیری

جنونی نیزی (در زند خوی رانه راردن) ← خواهی : سان بهدات لی ها غیرقابل  
راز آنچه ایک

ترمیت هست و هست شدنیست ! " و امروزان چه حکیمی من باید اپرا رهی بنم

لسته‌ی قدرت دانش را در دو لشمان مطمئن ماست که متوسط دخادر  
دعاً متنزل داشت مقدرت باشیت بیشتر نیست سرگون دارند. خاندان هم...

Date

No

العلم، فوری

## لویاتان باش تا بتو نز جامعه صون ایار آن

وحور آصری و لزدم و حور لویات

لطف شیرین بـ هایز: از آیات آنکه آمده است.

جنی انسی براس آصره های این بحود و آمده است

تعزیر قدرت و نوانی فردی و عدم وجود استراتژی و فلسفه و کورهای صنعتی

عملی

عنی

اعقاد بالهان فرق راه

قدرت ~~بـ حیز~~ (اسـ ~~بـ حیز~~)

(اعقاد)

منبع قدرت فردی و انسی و سازمانی و موقت، افتخار، بھارت، اعمال،  
(بحور افرادی)

الحال و ظریف اعمال

به لذت اینه بالای این عبارت (صلح و سمعی به آنها آزار)

اعقاده صوفی و ~~بـ حیز~~

منها

و نظامی: حکومے صونهی تحریر افزایی، بروجت سرمهی، تسع صدی، تغییر آبروکوایی

منهان بجهت که آوان اقدام بسیار، منبع ملک، آوان افتخاری، آوان نظامی

مثل عذر ای بخانی و درین خوره ای

نحوی

با غصه قدرت ایارم کن

جزء اینه

لیفته رکبی

اور بدرانی صادر باهم دین قدرت میز

ـ سرطان عدم اتفاق و اتفاق رهانیا  $\rightarrow$  منبع قدرت بدل به منفی میز  
ایام فریز: ظرفیت ایران ۱۵۰. ۲۳ m ممکن است

جهت ایلان روزنه سرانه ۸ m  $\rightarrow$  صل ای اصلاحات ارم ۷۵  $\rightarrow$  بحوزه رایل ۲۰m

برآورده نهیم  $\rightarrow$  تحریرتین صادر لذت غل (اصلاحات ارضی) دستور ۶۰ و ادار لفظی

و صفاتی همی باشد.

دلاييل بيود هقدرت اور  
در درجه اي مسل آهيں زندگی و ... انجئار همچو  
رضاه و ملکولو (ز) (هم)

مختلقات کردن لکر، به فناوری هست!

از راههای هر ت آبریزی و قوایی اقدام همیش رسم (از جانی و گندز... مهرن همچو عرضه)

امداد

اقدار  $\rightarrow$  قدرت مددع  $\leftarrow$  قدرت تابوی

منہجِ متعدد ہے؟ میں اقدامات مالک ویر مٹا مددوگر رارے محمد تھامی لشنا:

مُحَمَّد رَوْهَيْ - اَنْزِيلَاتْ - هَفْصَيْتْ مَرْبِيْ (٢٠١٣) - مَارِدَلَرْ - اِمامْ هَفْزِيْ - بَلْدِيْ . بَخْ هَلْمَرْ هَفْصَيْتْ  
آن هَرَازْ اوْلِيدِيْ مَكْ.

"نیشنل سٹریت" عرف حامیوں این بورڈ اپنے مہماں طلاقت میں لئے گا۔ برائیلائس ایک

"عقلایی، لوباتل، مردم به میراراری امضا کنند و بررسکارون بخواهند

مَسْرُورَةِ الْحَمْد

نکتہ اول:  $\frac{d}{dt} \ln \frac{\partial L}{\partial \dot{x}_i} = \frac{\partial^2 L}{\partial x_i \partial \dot{x}_j} \ddot{x}_j + \frac{\partial^2 L}{\partial t \partial \dot{x}_i}$   $\uparrow$   
 $\frac{d}{dt} \ln \frac{\partial L}{\partial \dot{x}_i} = \frac{\partial^2 L}{\partial x_i \partial \dot{x}_j} \ddot{x}_j + \frac{\partial^2 L}{\partial t \partial \dot{x}_i}$

ناتئ اول: مکروہ نتیجہ مبتداً درخت ماتر / و مکروہ عملانی مبتداً بسر و  
کارنی ماتر

میں تھا۔

نفوذ

از این نتیجه تدریت استفاده می‌کنند.

نفوذ → هر کسی صریح طرف باشد برای این اراده نفوذ می‌کند

در ایران → قدرت زاره - اختیار زاره - نفوذ داره ← آمریکا همچویی دارد اما در ایران نه قدرت دارد  
ونه اختیار به نفوذ دارد

آمریکا بیمه از داشتند را ندارند

عوامل نفوذ: دستیابی فیزیکی، تولید فزند رخاچ از دشمن

از اینها نفوذ و رکوردهای فیزیکی ایجاد می‌کنند (یعنی ارزش می‌دانند)  
اجرا ایجاد

عوین کرن نفایم از این (یعنی کرن ارزشها)

دارن احتمالی است مقامی

اجرا شرایط تعاق و درست ایجاد

شرایط نفوذ

داری پیوند مناسب

نه!

برای نظر خواهند بود ب قانون تقویب محبی استند!

۱- روی - گردن افزایش و بلندی → افزایش خشک + ایال متأثراً حق و نیاز  
نظام حقوقی

اموال ملکی: قیمت → قانون نوشتند

۲- شرایطی آنلا ایجاد: آمریکا - اسرائیل - اسرائیل - عربستان

پاچن لاؤ (قانون مترک) قوانین نوشتند نیز موجعلی (زنگ) حقوقی است

کمترین بردی نظام حقوقی: مزدیست، نیست، ارزشها، عواید، اصول

سیاست از مدلات

مابرخ طردی درین حکم لایحه می‌باشد: قول الله تتعین امراء مقصون و آدم مجرمی

اس-لیمان (مشهد) → ادی - گردن: ساختار جوری

من - لاؤ → آدم + مجرم

سیاست از مدلات: ماه حابل نظام حقوقی می‌باشد ایت → روم گردن → ساختار جور

ترسی - مردگان را مان لاد تعریف می‌کنند

ایران هم بیرونیه بین حکم وجود ندارد.

را آمریک اصلی بیرونیه بین حکم وجود ندارد.  $\rightarrow$  قاضی صدقه حکم را می‌توانه

رضی کورها هم تلفیر می‌کنند.

## سیاست خارجی تبدیل پنجم

استراتژی‌های سیاست خارجی ایران معاصر

در ۱۰۰ سال اخیر، بعضی از رکودها دارای قدرت‌های مبنی عاره‌ای بی‌روزگار

دوری  $\rightarrow$  آنچه  $\rightarrow$  نداشت  $\rightarrow$  آنچه  $\rightarrow$  به نکال  $\rightarrow$  این قدرت‌های فهایی  
لیکه آمریک  $\rightarrow$  ایران  $\rightarrow$  ایران  $\rightarrow$  (نرخیت حکم دست)

هر دوست باشد منصوبان  $\rightarrow$  ایران  $\rightarrow$  ایران  $\rightarrow$  داشتند!

عملی است ابراسوس بگردید به دست اوصه اند  $\left\{ \begin{array}{l} \rightarrow \text{موازنہ مہیت} + \\ \rightarrow \text{موازنہ منفی} - \\ \rightarrow \text{موازنہ نیزی سمع} \end{array} \right.$

موازنہ + : میں مرض بردن البتہ ایران با توجه به منبع و اهدارهای خودی تو انہیں

تعابہ خواہی رہ رہا درخواستی نہیں

درخواستی را در اعلان صریح ایران تعریف میں مذکور

دوستی دفع تحریکات رہمن ایران تجویز این قدرت‌های مبنی (نهاد اتفاقاً کیم) تجویز

از منطق خلدون دفاع کیم؟ اس این قدر را قاعده کیم و این قاعده دنیا زانشای

لهم افتح مدارفنا على خواسته اد از صنایع کوچک و مرا به از همین دری اسماه کنیم؟

جون بجهات واحدت مدلولیت صفت مرار صد که در راه چون قدرتین العمل هست!!

به قدرت العمل (۹۰) → از من فوج راه من حمله است (سلیمان واقع) ← کلمه لذی  
 JOHN? جون بسوی قدرت علیهین خواسته

موازنه صدقه → بمنی فرض بر عکس ④ است . قدرتین العمل الله ربکم می تندیل

بسریع لتجاری خود هست! رهیخ! همچو از صنایع خور ارجامی هم مراد نهیم!

موازنه مفریک کوک → بمنی فرض ④ را بقول دارند ، امّا راه حل ④ را بقول ندارند .

از سریع ریه نه بمنی فرض ⑤ را بقول دارند و نه راه حل آن را رأیهم می توزیم نیز این که در راه

که کرم و موازنه صدقه (۱) ← جوان چون نمی بینیم به قدرتین العمل لغت داده باشد که همینه  
علیک باری از بیان راهی داشت راجعن شرایطی می بینیم !!

طریق اول موازنه سعیم → عرض کریم می سازند که خوش صفات ایم بر موافیم بر موافیم نیز ایجاد کنیم .

و چویی → همه چیز را راهی داشت راهی قدرتین العمل عاریم ! بعضی می رأیهم باعمر راه

بنی العمل هم نیز هم کافیم هستیم بمنی همیزان یا منی همی راهی از صدقه صور نیازیم کافیم هستیم !!

من فوج راه من حمله (۶) ← معلمه دیگر کرم و هم قدرتین العمل از این راهی داشته باشد

امّت کوچک مادر زاده و اون هم که من فوج راهی داشت ما در مقابل ماهیم داریم از و امّت راه

کرم (۷) ← مدارک ایمانی راهی داشتیم

اطبلیل صفویه ک اول است ۲۰۰۵ میلادی + ۱۳۸۴ هجری قمری

سازمان اسناد

روان

از ادارات محابا + محل دوران چهل هی (جهزه های مخصوص)  $\leftarrow$  (دولت)

ب) سک (کالا) + اولٹ صفویہ حفظی + تحریر کا اعلیٰ مکمل ہے  
(مکمل ہے)

محلق) ← نیرن کفر

نوری سعید احمد

در این باره می‌گفتند ایران هرچا که در این سیاست را از خود بگیرد این خواهد بود که این کشور را از این سیاست خارج نماید.

ترکیبی هایی + عواملی که این ترکیب را تقویت می کنند + بحثی از این ترکیب

\*<sup>مهم</sup> تئیز سعی کیا از اصلاح دھرا جام (ان=۱۱)

→ اپنے رہنر را حامی ملے۔

"Residential areas and residential zones"

*Habissus* *gigas*

قررت سفیر اسلامی را می‌خواستند آنقدر اهمیت نداره برای راحت داشت با رسمیت و 

امانی فیلمنٹز ← روسیہ دبیر و مدن ایران بارہ اما خلافهم مدد باروسیہ لاصینہ

تیجہ ← ترکیب اور نہادیں

نفت ← آنلسان را بین اندام‌ها / با اکسی‌ترولر داشتم / همچنان راهنم  
آمریکه بود را می‌آمده باشد رفت تراور داشت یا  
~~آنست~~ آمریکه از همان انقلاب خودش هجع مرداری مغایر با منف خواهد شد  
آدمیم است اهران نیز ! موافقه نیز سعی هر زیارتگار رخواه اعدام را با  
سینه مرداره بسته می‌شود  $\rightarrow$  تقدیر را شنید  $\rightarrow$  این قدرت امریکه به این بحثها می‌تواند  
اهم قدرت ندارد  $\rightarrow$  اجل دلیل نمایند

نتیجه  $\rightarrow$  تمام این بین‌مرهن‌ها علی‌علیه  
موافقه + / موافقه - / موافقه نمی‌شوند و  
آدمیم داشته باشند  $\rightarrow$  نفوذ زیاد.

مسئلتنا این نه لفظی در دلیل معاشر است، دست خاندان خما است.

خاندان‌ها بپوشید را آنها را نگذانند  $\rightarrow$  یا رویلدهار مردانه و آنلسان  
خاندان‌ها را غلبه فوراً روزگاری  $\rightarrow$  آنها خواهند بود را در رسانید  
باشد با خاندان‌ها مردار داشت.

ما بین خاندان دعاوه لعنه لعنی توانی طرف مرداری داشتیم، بعدی معارض خاندان‌ها شدند و شوون  
باشد  $\rightarrow$  جاری اتفاق‌هایی  $\rightarrow$  اطلاعات این

پایه از آنها کلش رصدا کرات استعاره کرد.

دولت‌ها عامل‌هستند و خاندان‌ها هم نیز اهمیت دارند.

ساده‌تر باعث‌های خاندان‌ها می‌شود تا در

جلسه سنت

نظریات روابط بین‌الملل

۱- لیبرالیسم ۲- واقع‌گرایی ۳- سازه‌آندری ۴- اندری

واقع‌گرایی: روحنه سی‌الملل می‌گویند باقدرت است، بهینه‌ریلی مدارس که نهاد آن‌گاه را

هم را برخاند و جو دارند زیرا قدرت می‌گذاردند برای عوامل قدرت درست‌هستند

جیوه: امکن برای آوردن طلح پیامبر جو رفته از زیراقدرستیں می‌گذارند اسے درست‌هسته رکھه‌ان

آن طلح تقدیر دارد

لیبرالیسم: مکان‌های اولان: صلح امکن نیز را پیش می‌گیرد. همچو بزرگان محظوظین این‌الملل می‌گذند

(آنچه که هم می‌گذند همیشه این‌الملل می‌گذند)

انقلابی: "صلح ببر اتفاق بین‌الملل" و "جهانیت" صلح امکن نیز هست و تقریباً منوخته

و حضرت‌الله

سازه‌آندری: ۲ سال به سال ارمنه امور را بزم ارزوی می‌گذارد (۴۰۰ کم می‌گذرد) و عکس فتو

بی‌زبانی داده لیبرالیسم را بقول ارمنه (۴۰۰ کم می‌گذرد) می‌گذرد

رسانی کیمی نیز هست. علاوه بر عبارت‌های قدرت می‌گویند برای هنر صلح نیز تقدیر دارد

معصره معاصر و دریه



Date

No

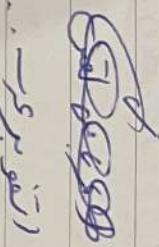
بصیرت

در لیبرالیم اعتماد مطلق ~~کوئلے~~ ب ولستھارجودارو در ~~کوئلے~~ حسین.

در رنہی دسرابر قدرت فجر در ارد بر اس دانع تراپی بو جو رامیں ہے۔

رامیان  $\rightarrow$  لیبرالیم رامو  $\rightarrow$  سازمانی

محمد بن معاذ رضي الله عنه : امیر

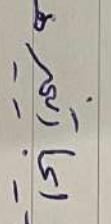
داعش و داعشی مدرس سوریہ  → داعشی مدرس

(تفوییری ...)

جنس طبقہ

اعلامی، تکمیلی، زمانی، اعلانی، اعلانی تبلیغات سینما / تلویزیون

اعلام موضعی

ا. حکایتی / درستی  ایسا کیا ہے

ب. اعلام نو اصلاحیں کی جو کوئی ہو کر

ج. دعییہ / اخلاقی / رسوی / مدنظری / معلومی

اعلام 

حوالہ نہیں دیا جائے اسکا  $\rightarrow$  اعلام

تغییر انقلاب زیر اصطلاح علوم اجتماعی است  
 از تغییر انقلاب حریت افکار سینما و موسیقی و فیلم و رسانه‌ها و روزنامه‌ها و  
 سایر املاک ادبیات و هنری

تغییر حیوونت (متغیر بین ۱۰۰ سال) حیوونت بیروذات  
 انتقال ایدئوگرایی

نوع تغییرات: در انقلاب تغییرات از نوع پیشگیرانه است  
 داشته باشد دلیل  
 تمار صدر میرزا محمد بن

اس تغییرات این مورخ مورخ

ساختارها زیر و پیشگیرانه است

(از بین فرقه‌های افکاری و مذهبی)

آغاز این تغییرات در سال ۱۳۴۰ است

\* تغییرات از نظر مردم مبتنی بر اتفاقات می‌باشد

\* آن مردم که تغییرات را می‌بینند انقلاب نیوچه است

تعریف فرهنگ: مردمهای رایهای ملت است با ۳ سطح

این مدل به معنای مردم است

(نهاد حد قبل نیازی که گذشت (کنکل))  
 (مکان پیشگوی و مانع شدن ممکن است که می‌گذرد)

اعمارات، زمان، زبان و ... تغییرات ۱۳۴۰

۱- اثربخشی افکار آن مدت آن را بیان می‌کند اثربخشی افکار محدود است

تبديلی به خود نزدیک می‌گردید (سیاست و ...)

۲- از نمایه به نمای دیگر متصل شد اثربخشی افکار محدود نشود (علمی، نوادگاری)

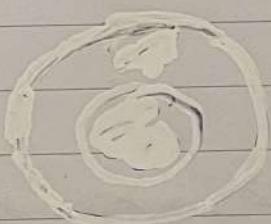
بروگاهان را خود قدرت داشتند

۷- امری زدن ایست  $\rightarrow$  عین و منست  
\* صورتی  $\rightarrow$  هزاره است، به تعبیر مفرد فرستاده است اما امری عین ایست

صلح نه، نه معرفت

بنادرین  $\rightarrow$  از افرادها ابتکان از رسانیدن برای سری جنگها از این  
قابل است. این افراد قابل تذوقند که در طول تاریخ سکوندهای ارزشی هزاره  
هر لایه میانه معرفت، همچو شد

جهنم و در لایه بیرونی مصالح و نفاه را در آینه.



صلح نه، نه معرفت

\* فرید سازی دیواره ایست، دیگریست همودیست! از زیرهاست با این حق

سازی دیگری نیامون تغیریاب نداریم رسماً نه (در لایه) بنادرین کارند!

وخت کار معرفت اینهم صیغه هزاره ای خاموش و پیش از کنبعی هم از این دیگر همان سازیون رو  
لایه بیرونی  
سریع حمل کن.



در این راه که هر کسی این این هزاره ای هم بینم، دندانه هزاره ایستگال نظام ارزشی ایست.

لایه بنادرین

- آنچه می‌گذرد نه انقلاب بدانه مردم نیست (۱) بسیار تحریر یار بگو  
ما در ربع برآورده

اصلاح ≠ انقلاب reform

رویناگی است

اصلاح تحریر است / امنیت خودت / آصره / تغیر است /

مثلک / خنده از قبول ای عرض / ساخت رکھارهای مرغ بر عرض سخن

اصلاح راحی است ای مسید

راز این تغیر و این تقدیر در نوع تغیرات بیان شد / در انقلاب صود در ۵۰ هزار دلار داره بیانداز

است ادن که راره انقلاب چهلت زیارتی دارد اینها را

بر اصلاح تغیرات رویناگی است / تغیم صنایع  
صدورت می‌شود ←  
جهن تغیم صنایع افغانستان دریزی نهاد

جنبش (movement)

≡

جنبش حمله است به فعل تغیرات انسان ! دراقع استراتژی انقلاب با جنبش فتح مادر

و در ادامه این حمله به انقلاب تبدیل می‌گردد انقلاب برای این جنبش

است

مکالمہ

هر دلیلی بر این اعتراف نباید مصون خواهد افتاد اینا قبیله.

## وَتَرْ صِنْوَع حَمْل

*S. Rajé R*

کورٹا

۱- کودکان خود می‌ازمایند (برخلاف نهاد) (قفت) از خود می‌ازمایند

\* ایسے کھنکر رہا اپنے صفتے، براں صدمہ میتے۔

۲- برنجیل تغیر در رأس قدرت هسته میخوان فهمها که به روز اس قدرت امت دره

همن بـ رنهل روی / آرمن سُفْن خس هم سَنَدا

انقلاب راهنمای تئوری مکانیک انتگرال جنبش و

وقت صریح میں رہنے کے جنہیں ہر لمحے میں رہنے کے لئے وہ اتفاقاً کے طور پر

هر چند در بصره صفتِ مُعاف نیز در میان علفات معاشر رخواسته شده است

تہذیب و تائید اور معاشرانہ ایجاد میں کامیاب

Neil ← is

ان دره

رسویں ہاتھیں نہ داشتے طرفداران خود را بمحض حلول انی مبارکا

لورڈ هسٹن ۷۱ الی رہمن رز رچارڈز منزہ میرزا

Date

No

حکومت ~~مختصر~~ این رئیس کالا است / دنیا رئیس اتفاق بیانه - حکومت سرکوب مختار

بھین خلائق دنیا کو نیز یہ فرضیہ!

در تحقیق امور از جنگ بیشتر های امراء ندانند یعنی ۰

۱۷۵۰ میلادی بے سفاری آمرادون کھاراون یہ یعنی صنوع خاص بود کے لیے  
امروز کو برد سے جنگ پڑھے حکومت مختار معاملہ میں  
حکومت مختار رئیس

در ۲۰۰۰ اخیر در مطلع دنیا رئیس این مرکے کے اتفاق مخصوص نداشتہ اند

امروز کے اتفاق بیانہ این مرکے ها لایہ سبی شدہ اند .  
معقول

وہم جنگ ہم کوئی نہم اصلاح و ... ہم

پھریں یا نہ بخواهد کرم نوع برخوار باشی از صورت عات نو و جو دلائے  
بغض